

بررسی اصول و قواعد حاکم بر ساختار شهری شهرهای اسلامی به منظور دست یافتن و آفرینش آرمان شهر ایرانی. اسلامی

الهه سادات کیانی^۱، مهدی باباعباسی^۲

چکیده

اصول حاکم بر شهرسازی و معماری در جوامع مختلف بر حسب ویژگی‌های فرهنگی، دینی و تاریخی آن جامعه شکل می‌گیرد. این رابطه دوطرفه بین ظرف یا همان قالب و مظهر یا محتوا، تفاوت در ساختار شهری در کشورها و جوامع گوناگون را پدید می‌آورد. اما آنچه در این بین مهم می‌نماید، اصول و قواعد حاکم بر شهرسازی، مناسبات و روابط شهروندان و نیز میزان اثرگذاری این عوامل بر ساختار شهری است. این اصول در کنار یکدیگر و با توجه به راهکارهای اسلامی، می‌توانند در تبیین و آفرینش آرمان شهر ایران. اسلامی نقشی کلیدی ایفا نمایند. لذا شناخت این اصول و قواعد و همچنین تأثیرات آن‌ها بر ساختار شهر به منظور آفرینش و دست یافتن به آرمان شهر ایرانی - اسلامی مهمترین هدف پژوهش حاضر بوده است. شهر اسلامی نخستین بار در ربع اول قرن بیستم به یک موضوع جدی تحقیق تبدیل گشت و مورد بررسی قرار گرفت. برخی از منابع به مطالعه ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی می‌پردازند و برخی دیگر نیز آن را به عنوان شهر دینی مطرح نموده‌اند و به ویژگی‌های ذکر شده از شهر در قرآن و آرمان شهر دینی و شهر منتظران پرداخته‌اند. بدین جهت برای پاسخ دادن به این سؤال که اصول و قواعد در شهرهای اسلامی کدام‌اند و هر یک از آن‌ها چه پیامدها و آثاری را به دنبال دارند، کوشیده شده است با استفاده از روش توصیفی. تحلیلی و اکتشافی (دریافت شهودی) به آن پاسخ داده شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که در شهرهای اسلامی. ایرانی، تفکر حاکمان زمانه و اصول و ایدئولوژی ناشی از آن و تأثیر آن در آرمان شهر نزد متفکران چگونه بوده است. در نهایت استخراج اصول و عناصر آرمان شهر ایرانی. اسلامی بر اساس مبانی قرآنی و علمی و ارائه مدلی برای تربیت شهروند آرمان طلب به عنوان هسته اصلی آرمان شهر پیشنهاد گردیده است.

واژه‌های کلیدی: اصول اسلامی، ایدئولوژی، بینش اسلامی، آرمان شهر ایرانی. اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۱۷

۵۹

شماره ۵-۱
بهار ۱۳۹۴
فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

بررسی اصول و قواعد حاکم بر ساختار شهری شهرهای اسلامی
به منظور دست یافتن و آفرینش آرمان شهر ایرانی. اسلامی

مقدمه

هنجارها و ضوابط حاکم بر شهرسازی، رفتارها و مناسبات شهروندی مبتنی بر اصول، قواعد و سیاست‌هایی است که در فرهنگ هر جامعه ریشه دارد. جامعه اسلامی نیز با فرهنگی منبعث و متأثر از دین و شریعت از نظام ویژه‌ای در زمینه شهرسازی و مناسبات شهری برخوردار است. در تمام اعصار، دارندگان افکار شگفت‌انگیز و آفریننده از هیپوداموس دومیلته تا لوکوربوزیه، شهر الگوی آرمانی با ثبات، محدود و منظم را که انسان از زندگی در آن احساس خوشبختی می‌کند، به تصویر کشیده و شرح داده‌اند. بیشتر آن‌ها توانسته‌اند در مقیاسی اندک، خواسته‌های خود را به واقعیت درآورند و برخی دیگر، هیچ موفقیتی نداشته‌اند. این انسان‌ها ترجمان برخی گرایش‌های عصر خود بودند و نیاز همیشگی بشر را منعکس می‌کردند. جامعه‌شناسانی همچون آنری لوفابور آشکارا خواهان عدالت در شهر برای محرومان هستند. به گفته وی باید «شهر را عوض کرد» و «زندگی را تغییر داد» برخی نظریه‌های سیاسی و نظام‌های مولود آن‌ها، در ایجاد عدالت اجتماعی توفیقی نداشته‌اند. هنوز هم باید در جستجوی راه حل بود (Bastie and Dezert, 2003).

شهرها و سایر مجتمع‌های زیستی نمونه‌های خاص محیط زیست مصنوع هستند. نظم‌دهی محیط زیست در واقع نظم‌دهی چهار عامل است: (1) فضا، (2) مفهوم، (3) ارتباط و (4) زمان. شهرسازان و طراحان همواره به کار نظم‌دهی فضا مشغول بوده‌اند. فضای مصنوع در فرهنگ‌های سنتی، فضایی مقدس است و نه فضای هندسی منتسب به فرهنگ‌های تکنیک‌زده. به محیط زیست می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط میان عناصر و مردم نگریست که این روابط دارای نظم خاصی هستند؛ این‌گونه روابط عمدتاً فضایی هستند و اصولاً رابطه میان عناصر و مردم بر اساس درجات گوناگون تمایز فضایی تعیین می‌شود. در حقیقت، شهری با خانه‌های درون‌گرا اساساً با شهری که خانه‌های آن برون‌گرا هستند، متفاوت است. چنین نظامی را می‌توان بیان فیزیکی محدوده‌ها نیز دانست. در واقع، طراحی و شهرسازی از منظرسازی مناطق گرفته تا ترتیب مبلمان داخلی اتاق‌ها، نوعی از نظام فضایی بر اساس قواعد گوناگون منبعث از فرهنگ جمعی و یا انفرادی برای رسیدن به اهداف گوناگون است.

هر فرهنگ سنتی مبین نوعی نظم مقدس است که از واحد مسکونی تا مجتمع زیستی و از آن به تمامی منظر و منطقه کشیده شده است. بنابراین برای درک

مجتمع‌های زیستی سنتی باید به آن به‌عنوان بیان کالبدی فضا‌های مقدس نگریست. در فرهنگ‌های سنتی، نظم اصولاً نظمی مقدس بوده است که هدف اصلی آن، بخشیدن نظمی به این جهان درهم و برهم از طریق تقلید از یک نظم ایده‌آل چون نظم و هماهنگی برین بوده است (Rapoport, 2005). شماری از عوامل وجود دارند که در زمینه نظم و قواعد شهر اسلامی، نقش قاطعانه‌ای ایفا کردند. شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی (توپوگرافی) محلی و ویژگی‌های کالبدی، بازتاب‌دهنده ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عام جامعه جدیدالتأسیس بود.

برای برون‌رفت از تفرق‌هایی که شهرهای ما امروزه به آن‌ها مبتلا شده‌اند، تحقیق ژرف در آثار گذشته به منظور یافتن چارچوب کالبدی مناسب برای ساخت و ساز شهرها، ضروری و با ارزش است؛ اما به شرطی که با دیدی نقادانه و به دور از افسون‌گرایی باشد. بی‌شک، تمدنی که برای همه عرصه‌های تعالی انسان مسلمان، رهیافت‌های کارآمدی دارد نمی‌تواند برای محوری‌ترین عرصه‌های زیست مادی و معنوی انسان، گفتنی‌های درخور توجهی نداشته باشد. گفتمان مبانی شهرسازی در فرهنگ و تمدن اسلامی، افزون بر جوه فنی و هنری ارزشمندی که بر آن مترقب است، بسیاری از عرصه‌های مکتوم تمدن را تنویر و تبیین خواهد کرد. شهر اسلامی را به‌سادگی می‌توان جرح و تعدیل کرد تا با استانداردهای زندگی و قابلیت کارکردی مدرن تطابق پیدا کند و سازگاری بالای آن با محیط فرهنگی، اجتماعی و مذهبی و طبیعی مان را حفظ کند (Bemat, 1990).

طرح مسئله

پرسش اصلی در این مقاله این است که اصول و قواعد حاکم بر شهرسازی مناسبات و روابط شهروندان کدام است و هر یک از این اصول چه پیامدها و آثار بی‌ساخت شهرها و روابط شهروندان دارد؟

لذا در این پژوهش سعی شده است ضمن اشاره به برخی از این اصول به تبیین مستندات و تحلیل و بررسی آن‌ها و به بعضی نتایج عملی و کاربردی این اصول برای رسیدن به آرمان شهر اسلامی اشاره شود.

پیشینه تحقیق

اولین متفکری که اندیشه مدینه فاضله را بر برهان عقلی استوار کرد، افلاطون بود. او در کتاب جمهوری این جامعه آرمانی را طراحی کرد. افلاطون شهر آرمانی خود را بر این

شالوده بنا کرد که جامعه بشری هنگامی رستگار خواهد شد که زمام حکومت به دست فیلسوفان فرزانه اداره شود و آنان با دانش و خردمندی، امور مردم را سامان دهند. افلاطون بر سبیل تمثیل، انسان‌ها را بر حسب سرشت به سه گروه تقسیم می‌کند: گروهی سرشت زر، گروهی سرشت سیم، و گروهی سرشت آهن و برنج دارند (Plato, 1978). از نظر او این سرشت تعیین‌کننده موضع و طبقه اجتماعی آنان است. بعد از افلاطون، ارسطو این طرح را کامل کرده و قسمت‌هایی به آن افزوده است. در دوره اسلامی، حکیم فرزانه ایران ابونصر فارابی اندیشه‌های شهرآرمانی خود را در کتاب *اهل مدینه فاضله* مطرح کرد. مدینه فاضله در اندیشه فارابی، از همان «معموره» زمین آغاز می‌شود و در کوچک‌ترین حد خود به شهر اطلاق می‌گردد. فارابی هدف و غایت مدینه فاضله را رسیدن به سعادت می‌داند. سعادت خیر مطلق است و خیر آن چیزی است که به وجهی در رسیدن انسان به خوشبختی سودمند باشد (Al-Farabi, 2000).

خواجه نصیرالدین طوسی مدینه فاضله را چنین تعریف می‌کند «مدینه فاضله اجتماع قومی بود که همت‌های ایشان بر اقتنای خیرات و ازاله شرور مقدر بود و هر آینه میانه ایشان اشتراک بود در دو چیز، یکی آراء و دوم افعال. اما اتفاق آراء ایشان چنان بود که معتقد ایشان در مبدأ و معاد خلق و افعالی که میان مبدأ و معاد اتفاق افتد، مطابق حق بود و موافق یکدیگر و اما اتفاق ایشان در افعال چنان بود که اکتساب کمال همه بر یک وجه شناسند» (Tusi, 1994).

روش تحقیق

با شرح مختصری در بیان اصول اسلامی، تعبیر فلسفی، ایدئولوژی و نگرش اسلام به شهر و نقش دیدگاه اسلام به مسائل شهری، در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی و در نهایت اکتشافی (دریافت شهودی) است.

اصول اسلام

این اصول عمدتاً عبارتند از هدفداری زندگی انسان، اصل هدفمندی زیست به این مهم پرداخته است) با نگاه وحی در باب انسان‌شناسی (اصل کرامت انسان) و با تأکید بر عمده‌ترین نیازهای زندگی مطلوب و در خور انسان (اصول عدالت، رفاه و امنیت به تبیین این بخش پرداخته است). از جمله اصول بنیادین شهروندی و شهرسازی در اندیشه اسلامی می‌توان به مواردی چون اصل هدفمند

زیستن، اصل کرامت انسان، اصل رفاه، اصل امنیت، اصل سلطه‌پذیری مسلمانان، اصل عدم فساد، اصل عدم عسر و حرج، اصل اضطراب و اصل الزام‌آوری قراردادها و پیمان‌ها اشاره نمود که در ذیل به بررسی هر کدام از این اصول پرداخته می‌شود. تأثیر این اصول در شهرسازی اسلامی ایرانی شامل موارد زیر است:

اصل هدفمند زیستن

یکی از گرایش‌های متضاد عصر ما این است که علی‌رغم توسعه شهرنشینی، خود شهر، هر روز بیشتر ناپدید می‌شود (Markus, 1998) گویا وقتی به شهر می‌رسی انگار، جایی وجود ندارد. اصل هدفمند زیستن که نشانگر غایت محور بودن و هدفدار بودن زیست انسان است باید در تمامی بخش‌های مرتبط و تأثیرگذار در حوزه مسائل شهری مدنظر باشد. این موضوع در مباحثی همانند: (1) گزینش مکان و جهت‌گیری جغرافیایی ساخت ابنیه (شمالی و جنوبی بودن) و سازگار کردن جهات ابنیه با شاخص‌هایی مانند قبله؛ (2) مرکزیت و محور بودن اماکن مهم و مذهبی در شهرها مانند مساجد مهم و قبور امامان و امامزادگان؛ و (3) ایجاد تعادل میان مراکز دینی، خدماتی، بهداشتی برای برطرف ساختن نیازهای همسوی مادی و معنوی مطرح هستند. تصمیم‌گیران جوامع اسلامی در عین حال که باید در حوزه شهری به «معنادار بودن» هستی با مفاهیم آسمانی و پیوند ارزش‌های اخلاقی وفادار باشند، لازم است اصول معیشت رفاه‌محور را معیار تصمیمات خود بدانند. آن‌ها باید ضمن توجه متناسب به مظاهر مادی زندگی و همسو با ابزار و مظاهر زندگی معنوی همانند مراکز تربیتی، تعلیمی، اخلاقی و دینی، با به‌کارگیری انواع امکانات برای نشان دادن معنا و مفهوم زیستن (معنویت و ارزش‌های اخلاقی) در ساخت و ساز مکان‌های دینی از قبیل به‌کار گرفتن بهترین طراحان، مجریان، صورت‌پردازان و هنرمندان برای طراحی و ارج نهادن به مکان‌های دینی تلاش نمایند.

اصل کرامت انسان

کرامت ویژگی نوع انسانی است و اختصاص به هیچ فرد و گروه خاصی ندارد، یکایک انسان‌ها از کرامت بهره‌مند بوده و همگی آنان در برخورداری از این صفت برابر و مساوی‌اند و منشأ این کرامت نیز صرفاً انسان بودن و فرزند آدم بودن است. نمونه کاربرد آن در تنظیم و تنسيق روابط شهری و شهروندی، وضع و تدوین قوانین حاکم در حوزه مناسبات شهری و تصویب طرح‌ها و پیشنهادهای ناظر به نهادها در شهرهای اسلامی باید تماماً بر پایه کرامت انسانی

صورت پذیرد؛ زیرا در جامعه که بر مبنای آرمان شهر اسلامی برپا شده هر نوع تقنین و تصویب و سامانه منافی با کرامت انسانی ملغی و بلااثر است. مناسبات مدیران و نهادهای مدیریتی و عوامل اجرایی با شهروندان اعمال خدمات بهداشتی، درمانی، تفریحی، زیستی و همچنین خدمات رسانی به نیازمندان و طبقات بهره‌مند از اعانات هم باید با رعایت اصل کرامت صورت پذیرد.

اصل عدالت

شاید بتوان یکی از شاخص‌ترین اصول بنیادین الهی و انسانی حاکم بر مناسبات شهروندی در حوزه تعاملات اجتماعی را اصل عدالت دانست. ارائه انواع خدمات شهری اعم از تفریحی و بهداشتی و درمانی، آن‌قدر واضح و پیرامنه است که از یک سو نیازمند بازگویی نبوده و از سوی دیگر فهرست کردن آن به سهولت ممکن نیست. این اصل از مهمترین اصول حاکم و ارزش‌گذار در مناسبات شهری است.^{۱۰}

اصل رفاه

رفاه در لغت به معنای گشایش، سهولت، برخورداری، راحت زیستن و فراهم بودن معیشت است. «الرفاهیه: السعه و التعم = رفاه یعنی گشایش و در برخورداری زیستن» (Manzur, 1996). تأمین رفاه شهروندان و فراهم آوردن شرایط برخورداری آنان از امکانات (در حد نیاز) باید از اهداف سامانه شهری، قواعد و ضوابط و قوانین حاکم بر آن باشد. از این‌رو مسئولان و متولیان امور شهری موظفند تمامی تلاش خود را برای تحقق این برخورداری و رفاه به صورت مستمر، شتابان و متوازن با افزایش نیازهای بشری مبذول دارند. تأمین امکانات تربیتی و پرورشی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، علمی و فرهنگی، تفریحی و ورزشی، هنری و صنعتی برای ایجاد رفاه و تحقق توسعه در جامعه، سازماندهی نیروهای اجتماعی و بنای هندسه مدیریتی به منظور تحقق رفاه نیز در این جهت است.

اصل امنیت یا اصل ضرورت تأمین امنیت

شهر به عنوان مأمّن و پناهگاه شهروندان با چند ویژگی تعریف می‌شود که در رأس آن‌ها عنصر امنیت قرار دارد؛ به بیان دیگر از مهمترین کارکردهای شهر تأمین ضریب بالای امنیت است. از این‌رو این اصل باید به عنوان یکی از کلیدی‌ترین اصول شاخص تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات در حوزه مسائل شهری باشد و هر فرآیند و اقدامی که نافی امنیت یا کاهنده آن باشد باید متوقف و هر رویکرد امنیت‌زا باید تقویت و پشتیبانی گردد. متون دینی امنیت

را به عنوان یکی از مهمترین دستاوردها و نعمت‌های الهی. بشری دانسته و بر آن تأکید می‌کند. در برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی باید فراهم آوردن سازوکارهای مناسب و مکان‌یابی جهت احداث مناطق شهری و طراحی ساختار به‌گونه‌ای که با کمترین آسیب‌پذیری توان تأمین امنیت شهروندان را داشته باشد انجام گردد. ایجاد نهادهای حافظ و نگهدار امنیت و طراحی برنامه‌های پیشگیری‌کننده از بلایای طبیعی که امنیت را به مخاطره می‌اندازد و ایجاد پایگاه‌های امداد رساننده به هنگام به خطر افتادن امنیت شهروندان به هنگام وقوع حوادث از جمله اقدامات پیشگیرانه در ناامنی است.

اصل سلطه‌ناپذیری مسلمانان از کافران

بر اساس این اصل سیاست‌گذاران امور شهری و تصمیم‌گیرندگان در آن باید حوزه عزت اسلام و مسلمانان و سربلندی مؤمنان را از چهارچوب قطعی و لازم‌الرعایه در امر تقنین و تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها بدانند و تصمیمات خویش را با محک این اصل بیازمایند. از این اصل در متون فقهی به نام قاعده «نفی سبیل» تعبیر می‌شود. با این تفسیر نباید پست‌های مدیریتی شهری و مدیریت‌های اجتماعی که اختیارات آنان به‌گونه‌ای است که متولیان و متصدیان آن می‌توانند راه‌های دین‌دارانه زیستن را محدود یا مسدود سازند و روند و آهنگ حرکت معنوی جامعه را کند یا متوقف کند، در اختیار کافران قرار گیرد.

اصل عدم فساد

یکی از اصول حاکم بر مجموعه رفتارهای اجتماعی که مناسبات شهرنشینی و به دنبال آن شهرسازی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اصل پرهیز از انجام هرگونه اقدام فسادآمیز و فسادآور است. بر اساس این اصل هر نوع تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اقدام در حوزه نظر و عمل که بازتاب فسادانگیز داشته باشد ممنوع و از نظر شریعت اسلامی حرام است. این‌گونه رفتارها در پاره‌ای موارد هیچ‌گونه آثار حقوقی اثبات‌کننده حق برای فاعل آن نداشته بلکه برای انجام‌دهنده این رفتار مسئولیت قانونی و مدنی و ضمان شرعی نیز ایجاد می‌کند. دستگاه تقنینی حاکم بر نهادهای قانونگذار در حوزه مسائل شهری و شهرنشینان باید اصلاح‌محور باشد و به کمک بازشناسی منطقی اصلاح‌محوری و فسادمحوری (از طریق شناسایی شاخص‌های هر کدام از دو جریان) از قانونگذاری همخوان با تباهی امتناع ورزد. طراحی، تصویب، صدور مجوز احداث، تأسیس و هرگونه تمهید برای راه‌اندازی

اماکنی که در ایجاد سلامت رفتاری، اخلاقی، معیشتی و زیست محیطی جامعه تأثیر مثبت دارد ضروری است و از شمار وظایف مسئولان یک شهر است که باید هر تصمیم و اقدامی که سلامت جامعه را به خطر می اندازد ممنوع و حرام بدانند. این اصل در نوع طراحی های انجام شده در احداث ابنیه نیز کاربرد دارد. نظام ارتباطات و رسانه های شهری نیز باید از این اصل متأثر باشند؛ به بیان دیگر این اصل از زاویه های گوناگون نظام مهندسی شهری و بافت مباحث شهری، محدوده شهرها، اماکن عمومی و خصوصی در شهرها را تحت تأثیر قرار می دهد و از سویی دیگر تمامی شاخصه های شهر سالم را می توان با کمک این اصل تضمین و تأمین نمود.

اصل عدم «عسرو حرج»^۲

برابر این اصل قانونگذار، در مقام تقنین تا جایی آزادی عمل دارد که مکلفان به آن قانون را دچار عسرو حرج ننماید. آنجا که وضع قانون یا اعمال تکلیف، شهروندان را به دشواری در تنگنا و مشقت بیاندازد (موجب عسرو حرج بر شهروندان باشد) قانون از درجه اعتبار ساقط و از آن پس الزام آور نیست. مدرک و معیار عسرو حرج بودن یک قانون همواره این نیست که قانون برای آحاد جامعه مشقت آور باشد، بلکه اگر برای گروه یا صنفی از صنوف و طبقات اجتماعی نیز عسرافرین باشند و یا حتی برای آحادی از جامعه مشقت آور باشند از درجه اعتبار ساقط می گردد. هرگونه وضع قانون یا جعل عوارض و تکالیف برای شهروندان باید به گونه ای باشد که موجب مشکلات مردم یا پدید آمدن شرایط سخت و دشوار نباشد، بلکه قانون باید با هدف گشایش کارها و بازگشایی گره های فروبسته در کار شهروندان گذاشته شود. هر بخش از قوانین و مصوبات جاری که اعمال آن عسراور و حرج آفرین باشد از درجه اعتبار ساقط است و الزام دیگران بدان قانون و مصوبه جرم و نامشروع محسوب شده و موجب تضییع حقوق شهروندان است. چنانچه وضعیت موجود بافت شهری به لحاظ ارائه خدمات ضروری و اضطراری به شهروندان ناکارآمد و مشقت آور باشد باید اصلاح گردد. مواردی همچون طراحی، احداث یا توسعه و تعریض معابر و خیابان ها، پارک ها، فضاهای ویژه عمومی (فضاهای آموزشی، دینی، درمانی و خدماتی) با استناد به این اصل با سهولت انجام می پذیرد. براساس این اصل حتی می توان موقوفات و مساجد را در صورتی که محدودیت عرض معبر عسرافرین است در طرح قرار داد^۳ و تخریب نمود و در مناسب ترین و نزدیک ترین مکان اقدام

به ساختن مکانی جهت بهره برداری و استفاده مشابه آن نمود.

اصل اضطرار

پدید آمدن شرایط و اوضاعی که انسان علی رغم میل باطنی خویش به ناچار (ولی بدون تهدید) عملی را انجام دهد و قانونی را نقض نماید، شرایط و حالت اضطرار نام دارد. اصل و یا قاعده اضطرار خود از احکام و قوانین دینی و شرعی است و شهروند در شرایط اضطراری مجاز نیست به قوانین عادی عمل کند و باید به حسب اضطرار به حکم و قانون حال اضطرار عمل نماید (Ansari, 2001). بدیهی است که:

۱. اضطرار گاهی نوعی و فراگیر است و برای عموم شهروندان پدید می آید، همانند حالت جنگی و امثال آن و گاهی شخصی و فردی محدود است؛ مثل اضطرار یک شهروند که از سرگرسنگی شدید در حد حفظ جان از غذای دیگران هرچند بدون رضایت آنان استفاده نماید (Tabatabaei, 1993).

۲. اضطرار هر چند احکام حالت طبیعی را ملغی و بلا اثر می سازد، لکن ضمان حاصل از اعمال چنین اضطراری باقی و برقرار است (Khoei, 2008). به این معنی که مثلاً اگر شهرداری از سر اضطرار خانه فردی را تخریب نماید هر چند تخلف و جرم کیفری محسوب نمی گردد، اما ضمان شهرداری نسبت به ارزش و بهای ملک بر ذمه شهرداری استقرار می یابد (Jafari Langerodi 1998).

۳. چنانچه بر اثر اضطرار، املاک و دارایی اشخاص مورد تصرف قرار گیرد، این امر صرفاً محدود به شرایط اضطرار و تنها در حد رفع اضطرار مشروعیت دارد و مازاد بر آن نامشروع است. از این اصل که خود از اصول و قوانین لازم الاجرای دینی است، در متون فقه با عنوان قاعده اضطرار نام برده می شود.

چنانچه فراهم آوردن امکانات ضروری و خدمات گریزناپذیر شهری مانند توسعه و احداث معابر، تأمین واحداث اماکن ضروری در امر بهداشت و درمان، احداث پایگاه های امدادی همانند آتش نشانی، کمپ های اضطراری، ایجاد فضاهای سبز ضروری برای حفظ و صیانت محیط زیست و جلوگیری از آلودگی هوا، تأسیس واحداث اماکن تأمین کننده امنیت شهری، تأسیس واحداث واحدهای عام المنفعه رفاهی، متوقف بر تملک دارایی ها و املاک پاره ای از شهروندان اعم از شخص حقیقی و حقوقی باشد، مدیریت شهر مجاز است با رعایت احتیاط (در حد رفع

اضطراب- تصرف حداقلی) اعلام تملک نموده و در عین حال و برابر قوانین جاری، حقوق مالی شهروندان را ادا نماید تا ضمن برطرف ساختن نیازهای ضروری، حقوق و منافع آحاد شهروندان نیز رعایت گردد. مدیریت شهری می تواند در شرایط اضطرابی، شهروندان را به انجام امور و وظایف ضروری و ادار ساخته یا آنان را از پرداختن به پاره‌ای امور و تصدی بعضی مشاغل منع نماید و حقوق و آزادی‌های محترم شهروندان در حالت طبیعی را تحدید و تضییق نماید (البته این امر باید مستند به قانون و فارغ از سلیق افراد تحقق پذیرد). پاره‌ای از امور یا مشاغل که در حالت طبیعی مشروط و مقید به شروطی است، در شرایط اضطراب می تواند با شروط مازاد یا با لغو شروط حالت طبیعی، اعلام و اعمال گردد. لازم به یادآوری است که رعایت احتیاط در بهره‌گیری از اصل اضطراب الزامی است. اصل اضطراب نافی حقوق و منافع شهروندان نیست. استفاده از اصل اضطراب تنها در حد ضرورت و برطرف ساختن اضطراب مجاز و مشروع است.

اصل الزام‌آوری قراردادهای و پیمان‌ها

بر پایه این اصل تمامی قراردادهای و پیمان‌های منعقد میان طرفین قرارداد الزام‌آورند و طرفین قرارداد ملزم‌اند به مفاد قرارداد عمل نمایند و حق تخلف از قرارداد را ندارند، همچنان که حق فسخ قرارداد را نیز ندارند. ماده ۲۱۹ قانون مدنی چنین است «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشند بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود» (Saghiri, 1998).

برابر این اصل کلیه قراردادهای منعقد شده بین اشخاص حقیقی و حقوقی لازم‌الاجرا، تعهدآور و الزامی است و تخلف از آن قابل دادخواهی و پیگیری است. بنابراین تمامی قراردادهای مدیریتی شهری و نهادهای سازمان دهنده امور شهر با افراد حقیقی و حقوقی له و علیه آنان، الزام‌آور است و مدیریت شهری نمی تواند بدون مستند قانونی از عمل به تعهدات خویش سربرتابد. گذشته از آن که نهاد مدیریت شهری حق دارد پیمان شکنان را به وفادار پیمان فراخواند و حتی به هنگام ضرورت به طرح دادخواست علیه آنان همت گمارد و چنانچه در این امر سهل انگاری نموده و در نتیجه آن ضرر و زیانی به منافع شهر و شهروندان وارد آید به دلیل سهل انگاری ضامن منافع از دست رفته خواهد بود.

اصول اخلاقی و انسانی

اصولی که در این قسمت بدان‌ها پرداخته می شود، عمدتاً در حوزه اخلاق و روش‌های انسانی قرار دارند. این اصول که در فضای برآمده از اصول بنیادین شکل گرفته‌اند، هر چند بازتاب‌های حقوقی نیز دارند، لکن شاخص‌ترین انگاره‌های آن‌ها اخلاقی و انسانی بودنشان است به همین دلیل از آنان به عنوان اصول اخلاقی و انسانی یاد می‌کنند.^۴

اصل تساوی و برابر آحاد جامعه در حدود، حقوق و تکالیف.

اصل ممنوعیت اعانت بر بدی‌ها.

اصل ممنوعیت زیان رساندن به دیگران.

اصل لزوم احترام به مقدسات و ممنوعیت اهانت به آنها.

اصل ممنوعیت اسراف و تبذیر.

اصل تساوی و برابری آحاد جامعه در حدود، حقوق و تکالیف

بر اساس این اصل اگر قانون برای فردی از افراد جامعه یا صنفی از صنوف اجتماعی وضع شده باشد و جعل قانونی ناشی از ویژگی خاص فرد و یا صنف معین نباشد، این قانون شامل سایر افراد و صنوف در زمان‌ها و سرزمین‌های گوناگون نیز خواهد بود و آن قانون فرازمانی و فرامکانی تلقی می‌گردد. خواه آن قانون اثبات‌کننده حق باشد یا تکلیفی را بر عهده گذارد یا حدود و شرایط امری را معین سازد. این اصل در متون فقه و قواعد آن به نام قاعده اشتراک در احکام و تکالیف آمده است (Borojerdi, 2005).

اصل ممنوعیت اعانت بر بدی‌ها

گذشته از ممنوعیت و حرمت انجام بدی‌ها و ارتکاب زشتی‌ها و عدم رعایت حقوق و حدودی که بر ذمه شهروندان است، هرگونه یاری‌رسانی، مساعدت و زمینه‌سازی برای ارتکاب جرائم و بدی‌ها و ترک وظایف و عدم تمکین به قواعد حوزه اخلاق شهروندی قبیح و ناستوده و به لحاظ حقوقی و شرعی ممنوع و حرام است و این اصل که ما آن را اصل ممنوعیت یاری‌رسانی و زمینه‌سازی برای بدی‌ها نام نهاده‌ایم، در متون فقه با عنوان قاعده حرمت اعانت بر اثم یاد شده است (Borojerdi, 2005).

صدور هرگونه مجوز ساخت‌وساز در مورد اماکنی که به عنوان باشگاه ارتکاب مجرمات و جرائم احداث می‌گردند همانند مشروب‌فروشی، کارگاه شراب‌سازی، قمارخانه، محل معاملات ربوی، اماکن فساد و فحشا و مواردی از این دست حرام و ممنوع است. هرگونه ساخت‌وساز در حوزه‌های یاد شده بالا حرام و ممنوع است. طراحی

و تهیه نقشه‌های ساختمانی که در آن‌ها معیار اخلاقی، اجتماعی و قواعد شریعت نادیده انگاشته شده یا به ویرانی پایه‌های اخلاقی و مبانی ارزش‌های جامعه می‌انجامد؛ ساخت‌وسازها و طراحی‌هایی که به اشراف بر املاک دیگران می‌انجامد و حقوق دیگر شهروندان را پایمال می‌سازد؛ برنامه‌ریزی و انجام هر نوع فعالیت اجتماعی، فرهنگی که با معیارهای اخلاق و ارزش‌های معنوی جامعه ناسازگار است؛ هر نوع یاری‌رساندن (اقتصادی، فکری) بر فعالیت‌ها و مجموعه‌هایی که در راستای ارتکاب فعل جرم و حرام فعال‌اند.

اصل ممنوعیت زیان‌رساندن به دیگران و ضمان‌آوری آن

1) نهی و ممنوعیت زیان‌رساندن بعضی از شهروندان به دیگر شهروندان؛ برابر این دیدگاه هرگونه رفتار و اقدام در حوزه‌های کرداری و چه در حوزه‌های قانونگذاری که موجب ضرر و زیان به دیگران باشد و لازمه آن زیان دیدن دیگران باشد، علاوه بر ممنوعیت و حرمت، ضمان‌آور نیز هست و زیان‌رساننده نسبت به خسارت وارده ضامن است. این دیدگاه در تبیین قاعده لاضرر را می‌توان به شیخ‌الشریعه اصفهانی نسبت داد (Shahsavandi et al, 1997). 2) در تبیین دیگران اصل که به شیخ انصاری تعلق دارد، ضرر و زیان غیرقابل جبران انکار شده است و معتقد است ضروری که قابل تدارک و جبران نباشد وجود ندارد و هرکاری که موجب ضرر و زیان باشد ضمان‌آور است و باید توسط زیان‌آورنده (وارد کننده) جبران خسارت گردد (Shahsavandi et al, 1997).

این اصل از مهمترین و پرکاربردترین اصول حاکم بر مجموعه روابط شهری است. براساس این اصل هرگونه قانونگذاری، وضع عوارض، سلب و ثبات حق، که موجب ضرر و زیان‌رساندن به شهروندان باشد ممنوع و بی‌اثر است و چنانچه به آن عمل گردد ضمان‌آور است. هرگونه اقدام به ساخت‌وساز یا انهدام که موجب ضرر و یا بازداشتن از آن که زیان‌رسان باشد در همین حکم است. تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در امور شهری، در همه حال باید ملتزم و متعهد به رعایت این اصل باشند. نباید از نظر دور داشت که ملاک در زیان‌گیری و ضرر‌رساندن به شخص نیست و ضرر و زیان جمعی و اجتماعی نیز در این حوزه باید لحاظ و مورد عنایت باشد.

اصل لزوم احترام به مقدسات و ممنوعیت اهانت به آن‌ها

اهتمام به حفظ، نگهداری و کارآمدسازی اماکن مقدس و دینی به روش‌های گوناگون و جلوگیری از اهانت و تخریب و ناکارآمدی آن‌ها از امور است که باید در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد. پذیرفته است که اماکن مقدس و ارزشمند تنها اماکنی نیستند که مستقیماً به کار ترویج و دین‌دار ساختن شهروندان می‌پردازند (مانند مساجد، کلیساها و...) بلکه اماکن تأثیرگذار غیرمستقیم دیگری در زندگی بشر وجود دارند که مفاهیم پذیرفته شده دینی همانند علم‌آموزی، سلامتی و... را می‌توان از آن طریق ترویج نمود همانند اماکن آموزشی و پژوهشی. رعایت احکام و قوانین دینی در ساختار مدیریت و چگونگی تدبیر امور شهر، خود به مثابه گرمی‌داشت علمی ارزش‌های دینی است و عدم رعایت احکام دینی در مقام عمل، خود اهانت بدان تلقی می‌شود. رعایت حرمت شهروندان از آن حیث که یا مؤمن‌اند (برادر دینی) و یا همسان در خلقتند، (نظیر در خلق) از جمله واجبات الهی و دینی است^۵ نظام اطلاع‌رسانی شهری به هنگام اطلاع‌رسانی مفاهیم معرفتی ارزشی و مقدس و سیاست‌رسانه‌ها در شهر باید به گونه‌ای باشد که احترام مقدسات رعایت و از اهانت بدان پرهیز گردد. برخورداری اماکن دینی، مذهبی، آموزشی، پژوهشی و تفریحی از تخفیف در تعرفه‌های خدمات شهری از جمله مصادیق احترام‌گذاشتن به مقدسات دینی است.

اصل ممنوعیت اسراف^۶ و تبذیر^۷ (اصل اعتدال در مصرف)

لزوم اعتدال و پرهیز از تخصیص نابه‌جا و نامتوازن بودجه از شمار وظایف برنامه‌ریزان در شهر اسلامی است. بنابراین بودجه و برنامه نامتوازن و اسراف‌آمیز یا تنگ‌نظرانه یا برنامه‌ای که به رکود و ناکارآمدی و بلااستفاده ماندن امکانات یک شهر منتهی می‌شود ناستوده، ممنوع و حرام است و از سوی دیگر مشروعیت نداشته و الزام‌آور نیست و از طرفی ضمان خسارت وارده بر شهروندان و شهر از ناحیه چنین برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان است. با این تفصیلات نهاد‌های تصمیم‌گیرنده و واضع قانون یا تصویب‌کننده سامانه‌های لازم در مورد امور شهر، موظفند در تمامی مصوبات و ساختار شهری اصل حرمت اسراف و تبذیر را رعایت نموده و آن را ملاک عمل قرار دهند و ایجاد و تأسیس نهاد‌های نظارتی و کنترلی و تنظیم‌سازکارهایی که طی آن هزینه‌ها کنترل و از اسراف و تبذیر جلوگیری شود، از اهم وظایف مدیریت شهری است. پیشگیری از دوباره‌کاری‌ها

و تکرارها یا انجام ناقص پروژه‌های شهری، جلوگیری از اجرای طرح‌های غیرضروری، کم‌بازده و ناسودمند نیز از دیگر اقدامات برنامه‌ریزان در جامعه اسلامی است. رعایت اعتدال در اصل ساخت و سازها و کاربرد مصالح مناسب به‌گونه‌ای که علاوه بر استحکام و دوام تأسیسات حفظ آن و هزینه‌های ساخت و نگهداری آن نیز متعادل باشد باید صورت بگیرد.

اصول حقوقی

صحیح دانستن تعاملات، تعهدات، رفتارها و کردارهای شهروندان و حکم بر صحت آنان (اصل حکم به صحت اعمال شهروندان).

مسئولیت آحاد جامعه نسبت به تکالیف در حد قدرت و توان محدودیت این مسئولیت به میزان توانایی و استعداد (اصل الزام آوردن تکالیف نسبت به بخش مقدور آن).

اصل احترام مالکیت

مالکیت‌های پدید آمده از راه‌های مشروع و قانونی محترم بوده و یکایک شهروندان ملزم به رعایت مالکیت مشروع دیگران هستند؛ از این مفهوم با نام اصل احترام مالکیت یاد می‌شود. بر اساس این اصل هر فرد مجاز است هر نوع تصرف مالکانه را در اموال خویش صورت دهد مگر آنکه آن تصرف به حکم قانون ممنوع و نامشروع اعلام شده باشد مانند اتلاف مال خویش که هر چند انسان مالک، مالک آن است اما مجاز به اتلاف املاک و منابع مالی خویش نیست. بنابراین نهادهای شهری و مدیریت‌های آنان اعم از آنکه به کار سیاست‌گذاری یا اجرا اشتغال ورزند باید رعایت احترام مالکیت مالکان را به‌عنوان شاخص فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها مدنظر قرار دهند و هرگونه تصرف در اموال و املاک اعم از تصرفات ناقل عین یا ناقل منفعت چه با عوض و چه بلاعوض که قانون و شریعت آن را مجاز دانسته است، حق مالک است و تصمیمات و آیین‌نامه‌ها نباید محدودکننده آن باشند.

اصل حکم به صحت اعمال شهروندان

این اصل در رفتار جمعی آحاد جامعه با یکدیگر و در تعاملات نهادهای مسئول با آحاد جامعه باید مورد عمل باشد تا شکاف‌های گوناگون اجتماعی مانند شکاف دولت، ملت، اختلافات اقشار اجتماعی، تضادهای صنفی و... پدید نیاید.

این اصل مجموعه تعاملات درون شهری از حوزه تقنین و تصمیم‌گیری تا حوزه عمل و ساخت و ساز و معاملات را دربر گرفته، فرآیند تعاملات شهری را تنظیم، تصحیح و تسریع می‌کند به‌گونه‌ای که معیشت معقول توأم با عناصر اخلاقی و هنجارهای پذیرفته شده جامعه و سلامت روانی اجتماعی تأمین گردد.

اصل الزام آوردن تکالیف نسبت به بخش مقدور آن

این اصل همان چیزی است که از آن به نام الزام آوردن تکالیف نسبت به بخش مقدور و ممکن یاد می‌کنند. از این اصل در متون فقهی با عنوان «قاعده المیسور لایسقط بالمعسور» سخن گفته‌اند (Borojerdi, 2005). برابر این اصل نهادهای متولی شهری هر چند که بر اثر محدودیت امکانات یا پدید آمدن موانع نتوانند ساختار شهری ایده‌آل را محقق سازند، تا آنجا که ممکن است باید به هدف ایجاد شهر سالم و آرمانی نزدیک گردند و بخش‌های ممکن مسئولیت خویش را ایفا نمایند. از سوی دیگر چنانچه آحاد جامعه برابر قانون به پرداخت‌هایی مکلف می‌گردند و پرداخت همه آن ضرائب (درصدها) از توان بخشی از جامعه خارج است، تا آنجا که در توان آنان است بر ذمه آنان خواهد بود و قانونگذار را مجری قانون حق مطالبه بیش از آن را نخواهد داشت.

اصل ممنوعیت و ضمان آوری اتلاف

مسئولان امور شهری به‌هنگام وضع قانون (یا جعل عوارض) موظف‌اند این اصل را ملاک قانونگذاری و تصویب امور مربوط به مناسبات شهری قرار دهند و از تصویب قوانین و طرح‌هایی که به اتلاف غیرضروری اموال دیگران می‌انجامد خودداری نمایند و چنانچه برنامه‌ای متضمن اتلاف غیرضرورت تصویب گردد، از درجه اعتبار شرعی و قانونی ساقط بوده و الزام‌آور نیست. اگر در مواردی ضروری چنین برنامه‌ای تصویب گردد، آن مصوبه هر چند قابلیت اجرا خواهد داشت، ولی به هر حال ضمان آوری نسبت به اموال تلف شده (که مثلاً در تعریض خیابان از بین رفته) در همه حالات باقی است.

اگر بر اثر این‌گونه تصمیمات، اموال جمعی از شهروندان تلف گردد، تصمیم‌گیرندگان نسبت به جبران آن زیان متعهد و مسئول‌اند (گذشته از حرمت و معصیت آن).

هر اقدام شهروندان که مستقیم یا غیرمستقیم موجب زیان دیگران باشد و مال یا جان آنان را تهدید و با خطر مواجه کند ضمان آوری و مسئولیت‌آور است. به‌عنوان مثال

قرار دادن اشیاء در مسیر عمومی (اعم از کوچه و خیابان) پارک اتومبیل در مناطق ممنوع، حفر چاه و گودال در معابر عمومی و از این دست چنانچه موجب هدر رفتن دارایی دیگران گردد یا خطر جانی برای آنان ایجاد کند ممنوع و مسئولیت آور است. مسئولان امور شهری می توانند و موظف اند قوانینی وضع نمایند تا حقوق عمومی مرتبط با معابر و اماکن عمومی، محیط زیست و غیره صیانت گردد. چنانچه حاکمیت یا بخش هایی از آن نیز بر اثر ساخت و ساز و حفاری ها یا نوع راه سازی زیان به شهروندان برساند ضامن خواهند بود.

چنانچه حاکمیت یا بخش های مسئول امور خدمات شهری به تعهدات رسمی و عرفی خود عمل ننمایند و بر اثر آن زبانی به آحاد جامعه وارد شود موجب ضمان است. مثلاً اگر بخش های مسئول تأمین روشنایی و ترافیک (نصب چراغ و علائم ترافیکی) کوتاهی کرده و این امر موجب تصادف منجر به زیان مالی و جانی گردد، یا اگر بخش های مسئول تأمین نیرو سهل انگاری و سوء مدیریت داشته باشند و در اثر قطع برق به واسطه سهل انگاری به آحاد شهروندان یا صنعتگران زیان هایی وارد شود در این صورت باید زیان وارده را جبران نمایند و یا اگر در موردی عملیات حفاری انجام شده ولی علائم هشدار دهنده نصب نشده است و به دنبال آن زیان هایی وارد آید، باید آن ضرر جبران گردد.

اصل عدم ضمان نیکوکار

پاره ای از خسارت هایی که ناشی از عمل انسان نیست و به حسب شرایط طبیعی وارد می شود، برای انسان مسئولیت می آورند مثل خانه غصبی که در تصرف غاصب است اگر بر اثر زلزله خراب شود غاصب ضامن است. لکن اگر انسان امین نیکوکاری، ملک دیگران را بدون سهل انگاری نگهداری کند یا مثلاً وسیله نقلیه رها مانده را برای نگهداری به محل پارکینگ مطمئن انتقال دهد و بعد بدون اختیار او در یک آتش سوزی از بین برود، در چنین فرضی ضمان و مسئولیتی بر عهده نیکوکار نیست.

اصل حریم املاک

ابن منظور در لسان العرب حریم را چنین معرفی می کند «الحریم ما حرم فلم یمس الحریم ما حرم مسه فلا یدنی منه» «حریم چیزی است که منع شده است. بنابراین نباید بدان دست یازید، حریم آن است که تماس با آن حرام است پس نباید بدان نزدیک شد» (Ibn Manzur, 1996). در فرهنگ لغت فارسی معین واژه حریم به دو معنی آمده

است: ۱- آنچه از پیرامون خانه و عمارت که بدان متعلق باشد. ۲- مکانی که حمایت و دفاع از آن واجب باشد (Moein, 1973).

در کل حریم به معنای حوزه و محدوده ای است که در اطراف یک ملک قرار دارد و دیگران از تصرف در آن ممنوع و باز داشته شده اند. قانونگذار چه قانونگذار شرعی و چه قانونگذار عرفی در پاره ای موارد برای پاره ای از املاک، حریم قرار داده است و تصرف در آن حریم رانها برای مالک آن مشروع و قانونی دانسته و دیگران حق تصرف، تملک و انتفاع از آن را بدون اذن مالک ندارند.

جعل حریم برای املاک با یکی از غایات و اهداف سه گانه زیر است و هر چند ممکن است در پاره ای موارد سه گانه یا دو هدف از اهداف سه گانه وجود داشته باشد:

صیانت و حفاظت از املاک و دارایی ها؛ پاره ای از حریم ها برای دفاع و صیانت از املاک است مانند حریم چشمه ها، چاه ها، قنوات و ...

صیانت از مالکیت مالکان؛ پاره ای از حریم ها را قانونگذار به منظور دفاع از حقوق مالکان آن ها وضع کرده است مانند حریم های قرار داده شده برای منازل، باغات و ...

پاره ای از حریم ها به منظور جلوگیری از خطرات و حوادث قرار داده شده است مانند حریم جاده ها، راه آهن و ...

تمامی حریم های موضوع قانون و شریعت که حدود املاک و اموال را معین کرده است با احتیاط تمام باید توسط مدیریت شهری رعایت و در تنظیم مناسبات شهروندان و مدیریت شهری و اجرایی شهرها مورد نظر قرار گیرد. تعیین حریم برای دارایی های شخصی و عمومی به منظور دستیابی به غایات سه گانه بیان شده در ابتدای بحث از اهم وظایف سازمان دهندگان امور شهری است. در تعیین حریم به خصوص برای دارایی های عمومی باید گسترش های محتمل و آتی شهرها در نظر گرفته شود. حریم های شهری باید در حوزه های زیست محیطی، رفاهی و خدماتی به منظور برطرف ساختن نیازها و ضرورت های زیستن، فراهم آوردن شرایط مطلوب زیستن باشد. برابری اصل وجود صنایع و مشاغل آلاینده و مجموعه فعالیت هایی که به زیست مناسب و مطلوب زیان برساند باید از حریم زیست شهروندان باشد.

اصل غرور

غرور در لغت به معنای فریفتن است (Farahidi, 2003). مفهوم و مقصود از این اصل آن است که چنانچه شهروندی

بر اساس اطلاعات، داده‌ها و گزارش‌های دیگر شهروندان یا نهادها و سازمان‌ها اقدام به انجام کاری نماید و در این اقدام زیان و خسارتی بر روی وارد آید که این زیان و خسارت عقلاً و عرفاً مستند به نادرستی آن اطلاعات باشد، فریبنده نسبت به زیان وارده ضامن است و فریب خورده می‌تواند جبران زیان حاصله را از فریبکار مطالبه نماید.^۸ از این اصل در متون فقه با نام اصل یا قاعده غرور یاد شده است (Borojerdi, 2005; Shabsavandi et al, 1997).

ارائه اطلاعات غلط و نادرست از سوی نهادها و اشخاص در حوزه مسائل شهری و شهرنشینی که موجب زیان دیدگی فرد یا بخش‌هایی از جامعه می‌شود علاوه بر ممنوعیت موجب ضمان اطلاع‌رسان است. اظهار نظر کارشناسان، متخصصان و اهل خبره که نظر آنان در مسائل شهری و شهرنشینی معتبر است و به استناد آن تصمیم‌گیری یا داوری صورت می‌پذیرد مسئولیت‌آور است و اظهار نظر خطا علاوه بر ممنوعیت، ضمان‌آور است. نصب علائم هشدار دهنده و ایمنی بخش نسبت به وجود خرابی، خطر و غیره... در معابر عمومی ضروری است و چنانچه عدم نصب آن موجب خطای منجر به زیان دیدگی شهروندان باشد، برای مسئولان و نهادهای شهر ضمان‌آور است.

اصل شفعه^۹

این اصل گذشته از آنکه حقوق شهروندان را در مورد انتخاب شریک بعدی مورد عنایت قرار داده است، همگن‌سازی و یکنواخت نمودن محیط‌های اجتماعی را به لحاظ مالکان و ساکنان آن تسهیل می‌نماید.

برابر این اصل، شش‌دانگ‌سازی املاک به سهولت صورت می‌پذیرد و غیرمشاع بودن املاک در بسیاری از مناسبات اجتماعی شهروندان با یکدیگر و با نهادهای متولی امور شهری تأثیرات مثبت فراوانی دارد. همچنین در کاهش مناقشات و اختلافات شهروندان تأثیرات مثبت زیادی دارد، به این معنا که نهادهای مردمی به سهولت به انجام وظایف خویش می‌پردازند. این اصل در آنجا که نهادهای متولی امور شهری با دیگران شریکند برای آن‌ها حق اعمال شفعه را حل می‌کند و در نتیجه به تسهیل امور می‌انجامد.

اصل قرعه

به هنگام پدید آمدن مشکل یا معضلی در مورد حق یا تقسیم ملک بین افراد تشخیص موضوع حکمی از احکام از قرعه به عنوان اصلی راه‌گشا و برطرف سازنده معضل استفاده می‌شود که به بیان مشهور و رایج گفته شده

است «القرعه لکل امر مشکل». از این اصل در متون فقه و دانش‌های وابسته به آن با نام قاعده قرعه یاد شده است (Borojerdi, 2005; Shabsavandi et al, 1997). این اصل در زمینه‌های زیر در مسائل شهری و شهرسازی تأثیرگذار و نقش‌آفرین است: در تقسیم اراضی مشترک و همانند آن، در تقسیم امکانات شهری که باید به شهروندان واگذار گردد و به دلیل محدودیت قابل تقسیم به همه شهروندان نیست، در تقسیم واحدهای مسکونی، در تعیین شهروندان در مورد برخوردار شدن از حقوق و مزایایی که محدودند و خواهان زیادی دارند، در تعیین تکلیف وظایفی که باید یک یا چند نفر از مجموع شهروندان عهده‌دار آن باشند همانند نگهبانی و....

ایدئولوژی

نفوذ اسلام در سرزمین‌های مختلف آسیا، آفریقا و اروپا اثر بارز و پویایی داشته است در واقع اسلام بر طبق گفته‌های فیسل^{۱۰} (1956) و حسن^{۱۱} (1972) مذهب شهری بوده است. همچنین دین اسلام زمینه‌ساز تمدنی شکوفا با شتاب معجزه‌آسا در زمانی کمتر از یک قرن، بخش پهناوری از جهان مسکون و مشکوف را «از پیرینه تا هیمالیا» فراگرفت. از این رو، هم در دگرگونی شهرهای پیشین مؤثر افتاد و هم موجب برپایی و رشد شهرهای جدید با ساختار کالبدی مخصوص به خود شد (Saeidi Rezvani, 1992). دین اسلام شاید تنها دینی باشد که در شهر شکل گرفت و توسعه آن با توسعه شهر در دوره‌های مختلف همبستگی مستقیم داشته و دارد. در واقع دین مبین اسلام با توجه به بینش و جهان‌بینی، نیازمند توسعه و گسترش شهرها بوده و هست. حتی در قلمرو این مکتب و به خصوص مذهب شیعی شاهد پیدایش و توسعه شهرهای زیادی بر اساس بینش اسلامی هستیم. این‌گونه شهرها در دوره مدرن امروزی نه تنها کم‌رنگ نشده‌اند بلکه رو به گسترش هستند. شهرها و شهرک‌هایی مانند شهرک ابوالفضل و شهرهایی که در اثر دفن بزرگان گسترش پیدا کرده‌اند، از جمله این شهرها هستند.

ایدئولوژی اسلامی نه تنها در پیدایش شهرها مؤثر است بلکه در ساختار کالبدی نیز تأثیر زیادی گذاشته است. این ساختار در طی دوره‌های مختلف، با روی کار آمدن حکومت‌ها و ایدئولوژی‌های جدید، تغییرات و تحولات مختلفی به خود دید.

تجلی همه صفات شهر اسلامی از دیدگاه تعالیم اسلام در درون و سیمای شهر، چهره‌ای از آرمان شهر اسلامی را به ذهن متبادر می‌سازد. شهری که صاحب ارزش‌های

والایی است شاید تاکنون در هیچ دوره تاریخی جامعه حقیقت نپوشیده باشد. اما با کنکاش در شهرهای سنتی می‌توان درصد بالایی از آن‌ها را که ریشه در تفکرات معنوی و آسمانی سازندگانشان دارند، شناسایی نمود و از آن‌ها مطالبی آموزنده آموخت و این‌گونه است که در گذشته، آموزش معماری نبوده است و بلکه پیشکسوتان قائل به تربیت معمار بوده‌اند و حق طراحی از آن افرادی بوده است که مراحل سلوک را طی کرده بوده‌اند.

به قول شیخ علاءالدوله سمنانی این خط وجود ما که سطحش عدم است بی‌کاغذ و بی‌سیاهی و بی‌نقطه است چون دایره وجود، در هم پیوست می‌دان به یقین که اصل نقطه عدم است (Bolkhari, 2011). یا به قول تیتوس بورکهارت «هنرمندی که بخواهد اصل وحدت وجود را نمایان سازد، سه وسیله در اختیار دارد: اول، هندسه که وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌سازد؛ دوم، ریتم که وحدت را در نظم دنیوی و نیز غیرمستقیم در فضا نمودار می‌سازد؛ سوم، نور که نسبت آن با شکل‌های قابل رؤیت، مانند وجود مطلق است نسبت به موجودات محدود» (Bolkhari, 2011).

برای آشکار شدن این مطلب که چرا برای شناخت زیبایی دارای درجه عالی و مدنظر تعالیم اسلامی که بیانگر وجود و تجلی بسیاری از صفات شهر اسلامی در کالبد و سیمای شهر است، تحقیق و جستجو در وضعیت کالبدی لازم به نظر می‌رسد (Rafigh Doust and Shahabian, 2008).

آرمان شهر در جهان ایرانی، اسلامی

اندیشه آرمان شهر ایرانی با ظهور تمدن و هویت ایرانی با تأکید بر عنصر والایی قدرت مرکزی آغاز می‌شود. هردوت و مؤرخان ایرانی اتفاق نظر دارند که برآمدن دیائوکو آغاز زندگی مدنی در ایران است (Fakhory, and Jar, 2002).

با ظهور اسلام، مدنیت نوینی، پایه‌ریزی می‌گردد و هجرت به یثرب و «مدنیت محمدی»، آغاز تاریخ «انسان محمدی» و «شهر محمدی» می‌شود. آرمان شهر الهی در «خودبودگی مطلق خداوندی» تجلی می‌کند، انسان، طبیعت، شهر، کلمه و کلام می‌شود و با وحی الهی دو تصویر آسمانی-زمینی یا تجلی آن خودبودگی، آرمان شهر پیش روی انسان مخاطب قرار می‌گیرد و در الگوی امامت (مدیریت جامع نگر تغییر) نبوی تفسیر نسبت عقل و وحی، مدینه الرسول، خاستگاه تفسیر اول آرمان شهر می‌شود.

در سند مرجع توسعه‌ای شهر، با امامت علوی و به طور خاص در تجربه بلند امام علی (ع) و شهر علی، تجربه

عاشورا- کربلا، شهر علم امام صادق (ع)، تجربه رضوی شهر، و شهر حضرت حجت ابوالصالح المهدی (ع)، تفسیر دوم آرمان شهر را نسبت عینی عقل و وحی به دست می‌دهد.

تجربه توسعه‌ای شهر در مکتب تمدنی اصفهان

نظریه شیعی دولت در عصر صفویه، به مکتب خاصی در معماری و شهرسازی که امروز به نام مکتب اصفهان شناخته می‌شود، منجر گردید که اندیشه آرمان دولت را در قالب یک نظام شهرسازی متبلور ساخت. سبک اصفهان، تحقق «آرمان شهر»، دولت صفوی است که ریشه در دگرگونی‌های اقتصادی دارد.

- شهر مکتب اصفهان در دولت صفوی، بیانگر امتزاج و آمیختگی سیاسی- عقیدتی مفاهیم دیوانی و مذهبی است، همان‌گونه که تبلور وحدت اجتماعی کار نیز است.

- بارزترین ترکیب کلامی مکتب اصفهان در مجموعه‌های کالبدی- فضایی به کار گرفته است.

- شهر در محیط پیرامونی خویش مستحیل می‌گردد (Chardin, 1983) و از این رو در توافق کامل با طبیعت پیرامونی خویش قرار می‌گیرد.

- جهان بینی متکی بر مفاهیم عرفانی که با تشکیل دولت صفوی بستر مادی می‌یابد، بر آن می‌شود تا در شهرسازی مکتب اصفهان، آرمان شهر خود را برپای دارد. سلسله مراتب فضایی از بزرگ‌ترین مقیاس تا کوچک‌ترین مقیاس کالبدی به کار گرفته می‌شود. با چنین مفاهیم ذهنی و با چنان مصادیق عینی، مکتب اصفهان را می‌توان به عنوان اولین مکتب در سیر تحول شهرگرایی، شهرنشینی و شهرسازی تا قبل از شروع دوران معاصر باز شناخت.

شهر در جهان ایرانی، اسلامی،

هنوز دوره گذار معرفت شناختی خویش را برای ترسیم آرمان شهر توسعه‌ای، نیافته است. آنچه امروز قابل مشاهده است، پراگماتیسمی است که مبنای ساماندهی نظام شهری قرار گرفته و در چند دهه اخیر به طور مشخص در تهران می‌توان آن را شناخت. این رخداد در نیم سده اخیر، به تدریج در حال شکل‌گیری است. وضعیت امروز اندیشه ترقی را مرور کنیم تا این مهم به روشنی بیشتری گراید.

انقلاب اسلامی در فرآیندی سه مرحله‌ای، به تدریج به «خاستگاه نظریه تمدنی» خویش نزدیک می‌شود که ایده و گفتمان درباره شهر نیز براساس این خاستگاه

دیگر باره بیان خواهد شد. از ایده انقلاب سیاسی ۵۷ تا ایده انقلاب فرهنگی ۵۹ و ایده جنبش تولید علم و نهضت نرم افزاری سال ۸۳ و اینک به تدریج رهسپار ایده «جنبش معرفت شناختی خاستگاه اندیشه تمدنی» به منظور نظام بخشی به اقتدار توسعه ای علم می شود. در دوره پیش رو، بازاندیشی های چندی را ناگزیریم:

ایده دوره گذار معرفت شناسی در جهان اندیشه ایرانی. اسلامی.

ایده احیای فکر دینی و رویکرد به بازخوانی گفتمان علوی دانش تمدنی، مدیریت آینده.

بازخوانی بیان تئوریک نظام از «تفقه در احکام» به «تفقه در دین» و بر این اساس بازخوانی معرفت شناختی گفتمان ولایت فقیه.

ایده مهندسی فکر دینی و بازمهندسی آن.

الگوی جامع دانش تمدنی.

بازتعریف مأموریت نهادهای تولید دانش (حوزه های دینی و نظام آموزش عالی) ایده نهاد دانش پیشاهنگ.

بازخوانی ایده مدرنیته جامعه ایرانی، اصول نوآوری، خلاقیت، نظریه پردازی.

فرآیند تحول تمدنی جامعه امروز ایرانی در آستانه بازخوانی معرفت شناختی خویش است و در این منظر نظریه درون زای اندیشه ترقی بر بنیان سه اصل هویتی ایرانی بودن، اسلامی بودن و تجدد برآمدنی است. این منظر به ویژه در نسبت با بنیان دین شناختی نظام و در تداوم جنبش احیای اندیشه دینی با رویکرد مدیریت آینده، خاستگاه معرفت شناختی نظام جمهوری اسلامی را در «تفقه در دین» نشان می دهد. «تفقه در دین» فهم جامع نگر آموزه های دین معطوف به آرمان رشد و برمدار آن، پرداختن به الگوی مدیریت تغییر جامع نگر تمدنی تا مرحله خودتوانمندی قسط مدار و دانایی بنیاد اجتماعی است. بنیان معرفت شناختی درون زایی اندیشه اقتدار توسعه ای علم، به طور خاص در فضای میان رشته ای اندیشه دینی و فکر ترقی در نظام جمهوری اسلامی رقم می خورد؛ و به این گونه ایده مهندسی فکر دینی در بستر تفقه در دین می تواند زیرساز گفتمان درون زای توسعه دانایی محور قلمداد شود. ایده تحقیق و توسعه شهر در این سامانه اندیشه ای دیده می شود.

همان گونه که انسان خداوندگار روی زمین است، آرمان شهر، تجربه زمینی شهر خداست. در نقطه آرمان یک الگوی جامع نگر راهبردی نشست اما نظام برنامه نیل به آن، قابل تدوین است؛

پیامدهای ساخت های فضایی از لحاظ نقشی که در سرنوشت مادی و معنوی افراد و جوامع دارد، انکارناپذیر است. ساخت های فضایی در درون شبکه کم و بیش سازمان یافته ای از سلسله مراتب فضایی قرار می گیرند که با سازمان یا ساختارهای اجتماعی جوامع رابطه اندام وار دارد.

زمان شهر در نسبت متفاوتی از کم و کیف بینابین زمان روان شناسانه و زمانه علم و اجتماعی جای گیر است، و در خود حاوی بی نهایت انواع زمان انسانی است.

مبانی انسان شناختی در نظریه توسعه شهر

«مکتب خودی»، بنیان انسان شناختی اندیشه علوی آرمان شهر است. در آرمان شهر علوی آدمی برخورد با خویش است. «خودی سیمرغی» در نقطه هدف شهر نشست است. انسان در شهر، خود خویش است.

فضاهای شهری، ترجمان حکایت خودی آدمی است. در بیان کالبدی و کلام فضایی نیز استعارات به کار گرفته می شوند، ترکیب سایه روشن، نرم و سخت، آب و سنگ، زمین و آسمان، فشردگی و گشادگی، چم و خم، خشکی و طراوت و... همه و همه به کار گرفته می شوند تا انسان به عنوان مرکز هستی صغیر با مرکز هستی کبیر و عالم بالا مرتبط گردد.

مقیاس انسانی، در مفهوم مادی و عددی آن، در آمد و شد انسان از عروج به فرود و از لاهوت به ناسوت و برعکس آن، رنگ می بازد. آنچه مطرح می گردد، فضایی است که بتواند این آمد و شد را بیان دارد، مرکزیت هندسی در مقابل مرکزیت آرمانی رنگ می بازد. از این روی مسجد در کانون شهر می نشیند تا آدمی خویش را در سجود نیایش همواره بازتفسیر کند.

الگوی مطلوب توسعه ای در آرمان شهر اسلامی

آرمان شهر مطلوب باید دارای یک نظام وضعیت مطلوب به قرار زیر باشد:

۱. حضور معنی دار انسان (انسان کانون و قطب فضا است. با حضور انسان فضا معنی پیدا می کند،

سلسله مراتب فضایی (از بزرگ‌ترین مقیاس تا کوچک‌ترین مقیاس کالبدی)،

اصل وحدت و هویت نقاط شهری،

کشش به رموزارگی چندبعدی مثبت فضاها،

اصل تمرکزگرایی تمثیلی از وحدت به صورت اشکال، فرم‌ها و احجام مرکزگرا، متقارن و ...،

اصل هماهنگی

اصل زیبایی در فضا در نسبت با هدف و جهت مفهومی پیدا می‌کند،

اصل مردم‌وارگی با پرهیز از ایجاد فضاها مسلط و بنایی سلطه‌گر،

اصل آرامش بخشی، به عنوان شرط مطلوبیت طراحی فضاها،

اصل همجواری که خود در فرآیند ساخت اندام‌واره شهر، تعمیق می‌شود،

رازگونگی و قداست فضا، تجسم یک فرآیند تعالی خودی است،

فضای مثبت و ایجاد احساس فضای سه بعدی،

اصل کاربرد روش تمثیل در ساخت فضاها درون‌گرا و برون‌گرا،

«مردم‌واری»، «خودبسنده‌گی»، «پرهیز از بیهودگی»، «نیارش» و «درون‌گرایی» (Pirnia, 1995)،

بینش نمادین، انطباق محیطی، الگوی مثالی باغ بهشت، نظام‌های فضایی مثبت، مکمل بودن، مقیاس انسانی و مشارکت اجتماعی، نوآوری (Ardalan, and Bakhtiar, 2011)،

شور و غنای هندسی، سلسله‌مراتب مکانی و زمانی، مقیاس انسان، انطباق با محیط، همدلی با طبیعت، وحدت در کثرت (Diba, 1992).

راهکارهای توسعه‌ای شهر

چارچوب عام وضعیت مطلوب، راهکارها و راهبردهای منظور نظر تحقق اهداف فرهنگ خودی را در معماری و شهرسازی، جهت نیل به آرمان شهر اسلامی طلب می‌کند. برخی از این اصول را اندکی تحلیل می‌کنیم.

راهکار پژوهشی مانند:

- انجام طرح‌های پژوهشی با تأکید بر رویکرد فرهنگ عمومی به منظور بررسی ابعاد شهردینی و مسکن اسلامی و شیوه‌های تحقق آن،

- ایجاد و ترویج کرسی مطالعات فقه‌عمرانی و معماری و شهرسازی اسلامی در مراکز آموزشی و پژوهشی حوزه و دانشگاه،

- ساماندهی متون مرجع مطالعات دینی شهر و مسکن مانند، دایره‌المعارف فقه‌عمرانی،

- اصلاح پایه‌های معرفت‌شناختی و بینش کالبدی مدیریت نظام شهرسازی،

- فرهنگ‌سازی از طریق اهتمام به مطالعات بنیادین و راهبردی در حوزه تحقیق و توسعه شهرسازی،

- فرهنگ‌سازی از طریق ترویج نشانه‌های معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی،

- به روز کردن اندیشه بومی‌عمرانی،

- تأکید بر فرآیند اصلاح فکر معماری و شهرسازی اسلامی،

- اصلاح نظام تحقیقاتی، آموزشی و اطلاع‌رسانی،

- جهت‌گیری رسانه‌ها.

راهکار سازمانی مانند:

- بنیان‌گذاری بنیاد دایره‌المعارف معماری و شهرسازی اسلامی،

- ایجاد و گسترش نهاد مطالعات ایران شهری تحقیق و توسعه‌عمرانی،

- مشارکت نهاد مدیریت معماری و شهرسازی در کمیته‌های مربوطه شورای عالی انقلاب فرهنگی،

- بازخوانی سند راهبردی و شرح مأموریت، وظایف و همسویی میان ارگان‌ها و نهادهای مرتبط.

تحقق توسعه‌اندیشه ایران شهر، در گرو بازخوانی نهادهای مربوط در تعمیق فرآیند تحقیق و توسعه شهری است؛ مانند

- شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهت تدوین اهداف کلی، اهداف و اصول سیاست‌های فرهنگی اندیشه ایران شهری با تأکید بر کارکرد بخش معماری و شهرسازی،

- وزارت مسکن و شهرسازی، جهت تدوین برنامه تحقیق توسعه‌ای آرمان شهر،

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جهت تدوین چشم‌اندازهای فرهنگی کلان،

- وزارت فرهنگ و آموزش عالی، جهت ساماندهی نظام آموزشی و تحقیقات مراکز آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی وابسته در بسط نظام اندیشه توسعه‌ای ایران شهر یا

آرمان شهر اسلامی ایرانی،

- سازمان میراث فرهنگی، جهت حفاظت فعال بافت‌های تاریخی شهرها در تعامل با ساختار مدرن شهر،

- شهرداری‌ها، جهت تنظیم و اجرای ضوابط و مقررات ساخت آرمان شهر ایرانی.

عینیت ایده آرمان شهر در گرو تجربه یک نمونه آزمونی است تا این ایده پیش از تجربه توسعه‌ای ملی و فراگیر ایده مزبور، در یک واحد کوچک‌تر به آزمون گذارده شود. ایده سرزمین پیشاهنگ، مدلی بر تحقیق ایده آرمان شهر است که در تجربه‌های توسعه‌ای امروز از وجه نظر اقتصادی دریافت شده و به تدریج به ایده شهر دانش^{۱۲} میل می‌کند. در این صورت یک اقدام بایسته پیش رو است؛ یعنی پرداختن به نظریه سرزمین و دانشگاه پیشاهنگ.

- در عرصه‌های روان‌شناختی توسعه، حوزه تعلیم و تربیت و توصیف و تربیت و تدبیر انسان پیشاهنگ در عرصه جامعه‌شناختی ما را در رسیدن به جامعه آرمانی اسلامی رهنمون می‌سازد:

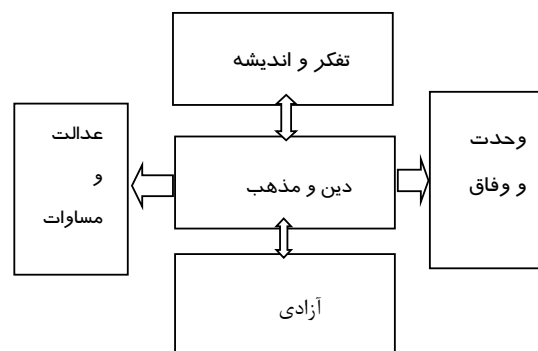
- در حوزه فرهنگی توسعه: فرهنگ دانایی،

- در حوزه اقتصاد توسعه: اقتصاد دانایی محور،

- در حوزه سیاست و نظام اداری: مدیریت دانایی محور معادلات اجتماعی،

- در عرصه کالبدی توسعه: در حوزه معماری و شهرسازی اسلامی به مثابه بیان فضایی شهر دانای آرمان شهر اسلامی.

فرآیند اصلی پیش روی ایده سرزمین پیشاهنگ، حرکت به سوی ایجاد پایگاه مدیریت تولید دانش در منطقه است. زاویه دید عمومی ما در یک مثلث و با یک نقطه مرکزی در بردارنده انسان دانا و شهر دانایی است.



شکل ۱. نمودار عناصر شکل دهنده یک آرمان شهر اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی، در تکاپوی گذار به مدرنیته خویش است و حاجتمند تنقیح درون زای نظریه مدرن تمدنی خویش در عرصه فرهنگ، تعلیم و تربیت، اقتصاد، سیاست، مدیریت،

معماری، شهرسازی و... است. و هم از جمله، سودای مدینه الرسول یا آرمان شهر علوی، چگونه تحقق می‌یابد؟

ایده آرمان شهر در فضای تاریخ فکر ایرانی، همچنان در فضای فکر فلسفی (فلسفه سیاسی) و از منظر ترقی در فضای فردگرایی فکر ترقی و ناکجاآبادی دست نیافتنی، تفسیر شده است.

در جامعه ایرانی در گذار از جنبش سیاسی، به جنبش فرهنگی، به جنبش تولید علم و نظریه پردازی، به تدریج خاستگاه معرفت‌شناختی تکاپوی تمدنی و اندیشه آرمان شهر، مهیا می‌شود؛ در این راستا، باید فکر ترقی در فضای جهان ایرانی. اسلامی و در تعامل با اندیشه بین‌المللی ترقی، بازخوانی شود و «تفقه در دین» خاستگاه جنبش دانش تمدنی و بنیان دین‌شناختی نظام تغییر و تحول انسانی. اجتماعی و گفتمان «تحقیق و توسعه تفقه در دین محور» نظام توسعه ملی دیده شود.

اندیشه آرمان شهر به مثابه بخشی از نظام‌واره گفتمان مزبور در واقع از گفتمان «انسان، جامعه، مدیریت مطلوب: امامت. امت» تحلیل شود؛

ایده آرمان شهر تنها آموزه‌ای فلسفی نیست، بلکه:

- ابتدا، آرمان شهر معرفت‌شناختی است؛

- سپس آرمان شهر هستی‌شناختی - انسان‌شناختی، است؛

- بر آن بنیان نظری، آرمان شهری تعلیم و تربیتی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، است؛

- در راستای آن نگاه به وضع مطلوب، گذار از وضع نقد و تحلیل شده امروز هر دوره اندیشه‌ای. تمدنی است؛

- سپس آرمان شهر سیاست‌گذاری شده و راهبردی گزیده است؛

- بر پایه تمامی مقدمات پیشین، آرمان شهر توسعه‌ای، آرمان شهر برنامه‌ای است.

خلاقیت محصول نبوغ و نبوغ فرآیندی است که از مؤلفه‌های یافتنی و بافتنی در وجود انسان بهره گرفته، او را در اقیانوسی از وحدت هستی قرار داده است. زندگی مسالمت‌آمیز و استفاده بهینه از نعمات الهی و ایجاد محیطی امن برای بستر سازی و فضا سازی مسیر ارتقای انسان و رسیدن به کمال والای بشری یکی از مهمترین اهداف ادیان الهی است که دین مبین اسلام نیز به عنوان کامل‌ترین شریعت الهی از این مهم غافل نبوده و در جای جای قوانین و اصول و آیات و روایت دینی به ساختار زندگی مادی و اجتماعی انسان پرداخته است. در این

مقاله از سه اصل اساسی در نظام شهروندی و شهرسازی بر مبنای قوانین اسلامی با نام اصول بنیادین، اصول اخلاقی انسانی و اصول حقوقی یاد شده است. در آخرین این نکته را باید اضافه نمود، هر کدام از اصول مطرح شده در زیرمجموعه‌های مختلف و برطبق آیات و روایات اسلامی و دستورات عملی‌های انسانی، به صورت کاربردی در سطح جامعه اسلامی بیان شده است که سعی دارد به تبیین و تشریح جامعه آرمانی و اسلامی بر طبق کرامت انسانی و اندیشه الهی بپردازد. در عبور از تاریخ ماندگار آفرینان عرصه‌های معماری و شهرسازی (یا هر رشته دیگر) و مرور تاریخچه آثار شهری جاودانه، باید گوش جان به بیانی که پراز رمز و راز با زبانی ملهم از اشارات مفهومی شده سپرد و تا چشم دل بر روی آنان گشوده نشود، پیام فرا زمان آرمان شهر را نمی‌توان دریافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. عالمان اصول در متون مختلف تنها دلیل مستقل عقلی انکارناپذیر را حسن عدالت و قبح ستم دانسته‌اند. حتی نیکویی راستگویی (حسن صدق) و زشتی دروغ‌گویی (قبح کذب) را امری دائمی، فراگیر و همه‌زمانه نمی‌دانند و تنها حسن عدالت و قبح ظلم را اصلی‌زمانه‌ای و غیرتاریخ‌مند می‌دانند.

۲. عسر به معنای سختی و دشواری، دشوار بودن، سخت بودن. حرج به معنای تنگنا، تنگی و تنگ گرفتن.

۳. اقدام به تخریب چنین مکانی منوط به اجازه مرجع تقلید (ولی فقیه) یا نماینده تام‌الاختیار ایشان است و یا باید طبق قوانینی که از ناحیه وی با نمایندگانش (شورای نگهبان) به تأیید رسیده است تخریب شود.

۴. پیرامون منشأ و خاستگاه قواعد، نظریه‌ها و داوری‌ها و احکام حقوقی دو نظریه وجود دارد: الف) جمعی بر این باورند که حقوق (و بلکه فقه) زائیده نظامات و اصول اخلاقی‌اند در فرآیند تحولات اجتماعی و گذر زمان به اصول حقوقی تبدیل می‌گردند. ب) عده‌ای معتقدند این اصول از ابتدا در حوزه حقوق و بایدها و نبایدهای تشریحی و فقهی حقوقی پایدار می‌شود.

۵. همان‌طور که امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر توصیه فرمود «و اشعر قلبک الرحمه للرحمه والمحبه و الطف بهم و لا تکون علیهم سبعا ضاریا تغتنم اکلهم، فانهم صنفان اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخلق» «و قلبت را از رحمت بر رعیت و محبت بدان‌ها و نرمش بر آنان برخوردار ساز و چونان حیوانی درنده که به دنبال غنیمت خوردن آنان است به آنان حکومت مران چون آنان دو گروهند یا برادران دینی توآند یا همسانان تو در خلقت و آفرینش» (Seyed Razi, 2001).

۶. اسراف در لغت به معنای گذر کردن از اعتدال و میانه روی و افراط ورزیدن است (Ibn Manzur, 1996) و معنای اصطلاحی اسراف زیاده‌روی در هزینه‌کرد و مصرف بیش از اندازه و حد نیاز و یا مهممل و بی‌استفاده گذاردن پاره‌ای از امکانات است.

۷. تذبذب در لغت به معنای تباها ساختن دارایی است (Ibn Manzur, 1996) و اصطلاحاً به معنای مصرف نابه‌جای دارایی‌ها و امکانات و از بین بردن و تباها ساختن آن است.

۸. قاعده و اصل غرور هر چند بر بیان ضمان فریبکار اهتمام دارد، لکن اصل فریب‌کاری به عنوان یک فعل از شمار محرمات نیز محسوب می‌گردد.

۹. شفعه در لغت به دو معنا است: الف) به معنای افزودن و زیاد ساختن که از انضمام شیئی به شیئی دیگر پدید می‌آید. این معنا از پاره‌ای از آیات به ذهن می‌آید همانند «من یشفع شفاعة حسنه یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعة سیئه یکن له کفل منها و کان الله علی شیء مقیتا» هر کس شفاعت پسندیده کند برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده‌ای کند برای او از آن نیز سهمی خواهد بود و خدا همواره به هر چیزی تواناست (The Holy Quran, ANAM, Verse 59). ب) به معنای زوج ساختن و جفت نمودن (انضمام و الحاق) و شفیع را بدان جهت شفیع گویند که حصه همتا و شریک خویش را به حصه خود منضم و ملحق می‌نماید (Al-Farabi, 2000; Ibn Manzur, 1996).

Fischel .10

Hassan .11

Knowledge Society .12

فهرست منابع

The Holy Quran.

Al-Farabi (2000) Civil politics, translated by Seyed Mohammad Sajjadi, Printing & Publishing Organization, Tehran.

Ansari, Sheykh Morteza (2001) Fried Principle, Publisher Eslami, Volume 2, Qom.

Ardalan, Nader and Bakhtiar, Laleh (2011) The Sense of Unity, translated by Vandad Jalili, Elmehmar, Tehran.

Bastie, Jean and Dezert, Bernard (2003) La Ville, translated by Ali Ashrafi, Second Edition, University of the Arts, Tehran.

Bemat, Najmeddin (1990) Islamic City, translated by Mohammad Hussain Halimi and Others, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran.

Bolkhari, Hassan (2011) Spiritual Foundations of Islamic Art and Architecture, Sura Publisher, Tehran.

Borojerdi, Mehrdad (2005) Iranian Intellectuals and the West: the Tragic Story of the Nativist, translated by Jamshid Shirazi, Farzan.



۷۳

شماره ۱-۵
بهار ۱۳۹۴

فصلنامه
علمی-پژوهشی

نقش
جهان

پژوهشی در زمینه‌های مختلف معماری و شهرسازی
به منظور دست یافتن و آفرینش آرمان شهر ایرانی. اسلامی

- Saeidi Rezvani, Navid (1992) "Urbanization and Urban Development in the Twenty-Year Period 1941 - 1921 (During the Reign of Reza Khan)," *Journal Of Geographical Research*, 25, pp. 165-140.
- Saghiri, Esmail (1998) *Civil law*, Forozesh, Tehran.
- Seyed Razi (2001) *Nahjolbalagheh*, translated by Mohammad Dashti, Alhadi.
- Shahsavandi, Shiva et al (1997) *Survey Values in Islamic Utopia*, Abstracts Collection of Urban Space Management, Shiraz Municipality Press, Shiraz.
- Tabatabaei, Seyed Mohsen (1993) *Principle of facts*, Al Albeyt, Qom.
- Tusi, Nasir al-Din (1994) *Ethics Nazareth*, Eds. Mojtaba minavi and Ali Reza Heidari, Kharazmi Press, Tehran.
- Chardin, Jean (1983) *Travelogue og Chardin*, translated by Hossein Arizi, Negah, Tehran.
- Diba, Darab (1992) "Interview," *Journal Of Abadi*, N 4, P 8.
- Fakhory, Hanna and Jar, Khalil (2002) *The History of Philosophy in the Islamic World*, translated by Abdol Hamid Ayati, Scientific and Cultural Publising, Tehran.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (2003) *Al Ain*, Volume 4, Osveh.
- Ibn Manzur, Mohammad Ibn Mukram (1996) *Lisan Al Arab*, volume 13, DAR Beirut, Beirut.
- Jafari Langerodi, Mohammad Jafar (1998) *Legal Terminology*, Publisher Ganje Danesh Library, Tehran.
- Khoei, Seyed Abolghasem (2008) *Mesbah principle*, Volume 2, Establishment Revive the Effects of Imam Khoei, Qom.
- Markus, Robert Austin (1998) *Augustinu*, translated by Khashayar Deyhimi, Volume 1, Kochak Publishing, Tehran.
- Moein, Mohammad (1973) *Dictionary of Moein*, Volume 1, Publisher Amir Kabir, Tehran.
- Pirnia, Mohammad Karim (1995) "Iranian Architecture in About Four Generations of Expert Architects," *Journal of Abadi*, 19, p. 3.
- Plato (1978) *Politeia*, translated by Mohammad Hassan Lotfi, Volume 4, Kharazmi Press, Tehran.
- Rafigh Doust, Reza and Shahabian, Pouyan (2008) "Diagnose Revenue Aspects With a Focus on an Expression of Beauty, the Beauty of the Quran Attributes Monotheistic Islamic City," *Journal of Religious Studies*, 16, p. 155.
- Rapoport, Amos (2005) *Cultural Origin of Biological Complexes*, translated by Razieh Reza Zadeh, University of Science and Technology, Tehran.